

غلام رسول محسنی

سوال: چرا حضرت زهرا(س) بدون در نظر گرفتن مصلحت بدنبال پس گرفتن فدک رفت؟ آیا فدک مال شخصی وی بود که بدفاع از آن برخواست؟

پاسخ اجمالی:

با توجه به جایگاه و شخصیت حضرت زهرا (سلام الله علیها) در میان امت اسلامی و دانشمندان مسلمان، «تعبیر بدون در نظر گرفتن مصلحت و رفتن برای گرفتن فدک»، بدور از تدبیر، شخصیت و دوراندیشی آن بانوی گرامی اسلام است؛ چون آن بزرگ بانوی اسلام در خانه ای رشد کرد که محل وحی الهی و نزول قرآن کریم بوده و زیر نظر مستقیم پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) رشد کرده و تربیت شده بود. او در دوران حیاتشان شاهد بسیاری از حوادث و تجربیات بود که برای آن رسول گرامی پیش آمد. از سوی دیگر، اینگونه نبود که او همانند دیگر اصحاب پیامبر اکرم فقط شاهد حوادث باشد؛ بلکه پیامبر اکرم بسیاری از حوادث آینده را نیز از طریق وحی الهی به اطلاع او می رساند. بنابر این، با توجه به جایگاه فاطمه زهرا(سلام الله علیها)، این گونه بر داشتها نسبت به آن حضرت کمال بی انصافی و دور از واقعیت است؛ بلکه آن حضرت تمام جوانب سخنرانی و تمام مصالح اسلام و مسلمین را در نظر گرفته وارد مسجد شده و ایراد سخن کرده اند؛ اما تنها مصالحی را که در نظر نداشته، مصالح حاکمان وقت بوده؛ چون این گونه سخن گفتن در شرایط آن روز که حاکمان سقیفه تازه قدرت به دست گرفته بود، به مصلحت شان نبود.

اما جایگاه تاریخی «فدک»، فدک سرزمین آباد و حاصل خیزی بود که در نزدیکی «خیبر» قرار داشت. و فاصله آن با مدینه، در حدود ۱۴۰ کیلومتر بود، که پس از دژهای خیبر، نقطه اتکاء یهودیان حجاز به شمار می رفت.^۱ فدک در شمال مدینه بود که در آن زمان تا آن جا دو یا سه روز راه فاصله داشت.^۲ در سال

^۱. مرآصد الاطلاع، ماده «فدک».

هفتم هجرت، پیامبر (ص) برای سرکوبی یهودیان خیبر که علاوه بر پناه دادن به یهودیان توطئه‌گر رانده شده، از مدینه به توطئه و تحریک قبایل مختلف علیه اسلام مشغول بودند، سپاهی به آن سمت گسیل داشت و پس از چند روز محاصره دژهای آن راتصرف کرد، و قسمت‌های از مناطق خیبر، که از آن جمله دهکده «فدک» بود، کار به مصالحه کشیده شده و بدون جنگ این امر به پایان رسید.^۳ این دهکده در شرق خیبر و در حدود هشت فرسنگی آن واقع بود و ساکنانش همگی یهودی شمرده می‌شدند. امروزه فاصله خیبر تا مدینه را حدود ۱۲۰ یا ۱۶۰ کیلومتر ذکر می‌کنند.^۴

کلید واژه: فدک، خیبر، پیامبر اکرم (ص)، فاطمه زهرا (س)، دفاع، ذوالقربی و...

درتفصیل این پاسخ، مطالبی به این شرح مطرح و ارائه می‌گردد.

روی داد فدک و رفتار خلفا در قبال آن بطور کامل از مسائل سیاسی بود، اگر به فواید و نتایج آن توجه شود روشن می‌گردد که مطالبه فدک براساس مصالح عالیه امت اسلام و مسلمانان تا قیامت بوده است، از آن نمونه:

الف) مصلحت و فواید اقتصادی

به مصلحت اهل بیت (ع) بود که از فواید اقتصادی فدک سود ببرند و از سود سرشار آن در راه ترویج دین اسلام بهره‌مند شوند و محتاج دیگران نباشند، بنا براین:

۱. آن چه در منابع تاریخی در وصف فدک گفته شده، روشن می‌کند که این مزرعه دارای محصولات متعدد و متنوع و برخوردار از درختانی به تعداد درختان نخل سرزمین کوفه در قرن ششم هجرت بوده است.^۵ این باغ دارای درختان انبوه بود و انواع محصولات در آن تولید می‌شد.^۶

۲. از گفتار خلیفه اول درباره این باغ استفاده می‌شود که برای تثبیت ارکان حکومتش به درآمد این مزرعه نیازمند بود.^۷ او به دختر رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - گفت: «سرزمین فدک مال خصوصی و شخصی پیامبر نبوده، بلکه از اموال همه مسلمین است که در اختیار او بود و از درآمد آن جهت کمک به آنها و انفاق در راه خدا و تقویت دین اسلام استفاده می‌نمود. روشن است برای تأمین زندگی و معاش مسلمانان و

^۲ . معجم البلدان، ج ۶، ص ۴۱۷.

^۳ . تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۳۰۲ و ۳۰۳؛ فتوح البلدان، ص ۴۲؛ السقیفه و فدک، ص ۹۷.

^۴ . دانشنامه امام علی (ع)، ج ۸، ص ۳۵۵ و ۳۵۱.

^۵ . شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۲۱۴.

^۶ . فدک فی التاریخ، همان، ص ۲۶.

^۷ . همان، ص ۲۵.

کمک به آنها و مکتب مقدس اسلام و انفاق در راه خدا با سود حاصل از آن، مشکلات اقتصادی را می توان حل نمود.^۸

۳. عمر با همکاری ابوبکر سرزمین فدک را از حضرت فاطمه (س) باز می گیرد. عمر تقویت بنیه مالی حکومت را در گرفتن محصولات این سرزمین می داند. این استدلال ها برای مشروع جلوه دادن تصرف فدک بود که اینها به میان می آوردند؛ چون سرزمین فدک بسیار حاصلخیز و پردرآمد بود و جنبه اقتصادی بیشماری را در بر داشت، لذا بعضی از زمامداران را به طمع انداخت که آن را به تصرف خویش درآورند و صاحبانش را محروم نمایند.^۹

ب) مصلحت سیاسی

مصلحت دیگری که فاطمه زهرا(س) در این سخنرانی در نظر داشته است، تبیین انحراف سیاسی بود؛ چون حکومت و سلطنت از مسیر اصلی منحرف شده و با فریب و زر و زور فراهم شده بود، پس سست و بی پایه شکل گرفته بود. صاحبان حقیقی حکومت که واجد شرائط جانشینی پیامبر(ص) و تصریح و تعیین از ناحیه آن حضرت نسبت به امامت و خلافتشان داشتند به فراموشی سپرده بودند.

از این جهت بود که بعد از رحلت پیامبرصلی الله علیه وآله ابوبکر و همفکرانش، وجود این قدرت اقتصادی را در دست همسر علی بن ابیطالب (ع) مزاحم قدرت سیاسی خود می دیدند و نگران بودند که مبدا مردم آنها را رها کرده، متوجه علی بن ابیطالب (ع) شوند و با او بیعت کنند. چنان که امام صادق (ع) به مفضل بن عمر فرمود: زمانی که مردم با ابوبکر بیعت کردند و به حکومت رسید، عمر به او توصیه کرد که علی بن ابیطالب و خاندانش را از گرفتن اموالی چون خمس و سهم ذوی القربی ممانعت کند و سرزمین فدک را از او جدا کند تا مردم و پیروانش از دور او متفرق شوند و او را رها کنند و به خلیفه روی آورند. ابوبکر به توصیه عمر عمل کرد در نتیجه حقوقشان را تضییع و اموالشان را از آنها تفکیک کرد.^{۱۰}

بنا بر این، اگر تنها همین دو مولفه را در نظر بگیریم می بینیم حضرت فاطمه(س) براساس مصالح عالیه این اقدام را انجام داد و خطبه ای خواند. اگر این اقدام فاطمه (س) نبود، هیچ نقطه روشنی بین حق و باطل نمانده بود ؛ همه گمان می کردند که این مسیر خلافت اند و آنهای که برآن مسند تکیه زده اند جانشینان برحق پیامبر(ص) اند ؛ لذا عالی ترین و بهترین روش را فاطمه (س) انتخاب کرده و راه صحیح خلافت، حکومت

^۸. همان.

^۹. کشکول سید حیدر آمدی، به نقل از ملحقات فدک للاستاد المقدسی، همان، ص ۱۷۵.

^{۱۰}. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۵۱۱.

وسیاست را در جمع سران انصار و مهاجر و دیگر مسلمانها تشریح و تبیین کرده و جنبه های انحراف را باز گو نمودند.

ج) مصلحت دینی

نهاده شدن نام «فدکیه» بر خطبه عالمانه حضرت زهرا(س) صرفاً به جهت آن است که در بخش از این خطبه سخنی از فدک به عنوان میراث مطرح شده است؛ و الاً محتوای این سخنرانی آنچنان عمیق و گسترده است که موضوع غصب فدک در برابر عمق و گستردگی آن جز «بهانه‌ای» به نظر نمی‌آید. نگاه عمیق به معارف اساسی دین و بیان واقعیت‌های اجتماعی در کنار یادآوری مسئولیت آحاد افراد جامعه اسلامی نسبت به آن معارف و این واقعیت‌ها به همراه تبیین انحراف به وجود آمده بعد از پیامبر(ص)، مرهم بر زخم تمامی آسیب‌های جامعه اسلامی در آن روز و در طول تاریخ خواهد بود که علاوه بر ابعاد معرفتی دین‌شناسانه، ابعاد جامعه‌شناسانه سیاسی را نیز در بر داشته است. با این وصف، کدام مصلحتی بالا تر از مصالح تبیین انحراف دینی است که آن بانوی گرامی آن را در نظر گرفته و بدون توجه به آن، بدنبال دفاع از فدک رفت؟!.

د) مصلحت بیاد سپاری

یکی دیگری از نکات اساسی این خطبه و دفاعیه که آن بانوی بزرگوار تمام جوانب را در نظر داشته و با مصلحت بینی تمام به آن پرداخته اند، جنبه به فراموشی سپردن آن یگانه فرزند پیامبر بود. یعنی با تمام سفارشهای که پیامبر اکرم صلی الله در باره یگانه فرزندش کرده بودند، در کوتاه ترین زمان به فراموشی سپرده شد. از این جهت است که می فرماید: «ای مردم بدانید من فاطمه‌ام و پدرم محمد که فرستاده‌ی پروردگارتان و خاتم پیامبران است. آیا این فرازی از کلام آن حضرت به این معناست که مردم او را نمی شناخت که او دختر و فرزند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است؟! نه؛ بلکه همه می شناختند که او دختر پیامبر است؛ ولی جایگاهی که از این بانو درک کردی، درک نمی کرد و این جایگاه و منزلت را فراموش کرده بود؛ چنان که آن حضرت خود فرمود: آیا پدرم پیامبر نمی‌فرمود: «حرمت هرکس در فرزندان او حفظ می‌شود». در حقیقت این حرمت حفظ نشد.

و در نهایت آن بانوی بزرگوار با امت پیامبر اتمام حجت می‌کند و از خدای متعال این گونه می‌خواهد «پروردگارا بین ما و قوم‌مان به حق حکم کن و تو بهترین حکم‌کننده هستی» و می‌فرماید «من دختر کسی هستم که شما را از عذاب شدیدی که در پیش دارید، ترسانید.»^{۱۱}

چنان که برخی از بزرگان می‌فرمایند: همه امت و مسئولین جمع شوند که فاطمه زهرا را از بین ببرند برای چیست؟ این خطبه فدک آن‌قدر قدرتمند بود که حکومت سقفی‌ها را زیر سؤال ببرد فرمود: (أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ) بعد رو کرد فرمود آیا شما به قرآن از ما آشناترید؟! حضرت براهین فراوانی آورد که ما باید ارث ببریم، بعد فرمود مگر اینکه معاذ الله ما را از یک ملت نمی‌دانید، ما را مسلمان نمی‌دانید، چون غیر مسلمان از مسلمان ارث نمی‌برد، مگر در اسلام ما شک دارید؟ این سوزناک‌ترین جمله‌ای است که در خطبه فدکیه است، نوحه ما این است ما اگر تنها شدیم گریه می‌کنیم، گریه بر ضرب آن در دیوار گریه‌های عاطفی است، این نوع گریه، گریه عقلی و عقلانی است. فرمود ما را مسلمان نمی‌دانید، اگر ما را مسلمان می‌دانید، مسلمان از مسلمان ارث می‌برد، من از پدرم ارث می‌برم، اگر مانع ارث ما هستید هیچ راهی ندارید، مگر اینکه معاذ الله در اسلام ما شک کنید. این خطبه به گونه بود که دیگر جایگاهی برای سقفی‌ها نگذاشت، لذا همه مسئولان سعی کردند آن حضرت را از بین ببرند.^{۱۲} بنا بر این، اگر منظور از در نظر گرفتن مصالح، مصالح در نظر گرفتن جایگاه و حفظ آبروی اهل سقیفه و حاکمان وقت باشد، آری آن حضرت آن را در نظر نداشته و توجه هم به این گونه مصالح نداشته است؛ بلکه آن بانوی گرامی، با در نظر گرفتن مصالح اسلام و مسلمین، و تبیین سیره و سنت پیامبر و تبیین راهای انحراف از آن سخن گفته‌اند.

فدک و پیامبر(ص)

پس از اشاره به جایگاه خطبه آن بانوی گرامی و جایگاه مصلحتی آن، به فراز دیگری از این پرسش اشاره می‌شود: «آیا فدک مال شخصی وی بود که بدفاع از آن برخاست؟» بنا به آنچه که از منابع

^{۱۱} . فرازهای از خطبه فدکیه.

^{۱۲} . جوادی آملی، از درسهای اخلاق روزهای پنجشنبه، سالن مؤسسه اسراء، قم. ۱۳۹۵/۱۲/۱۴.

تفسیری و تاریخی به دست می‌آید، فدک ملک شخصی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بوده و متعلق به بیت‌المال نبوده تا در میان اصحاب تقسیم نمایند؛ چون فدک طبق مصالحه میان یهودیان خیبر و پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به ایشان منتقل شده و مسلمانان برای به دست آوردن آن، جنگ یا لشکرکشی انجام ندادند.^{۱۳} بنا به نص قرآن کریم، اموالی که بدون لشکر کشی به دست آیند، ملک شخصی رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) محسوب می‌شود: «وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^{۱۴} این دلیل روشن و برهان قطعی است که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اجازه استفاده آن را داده و برای هیچ کسی زمینه اعتراضی نیز نگذاشته است. گذشته از این برهان و سند قطعی، در منبع معتبر اهل سنت نیز به همین استدلال اعتراف کرده‌اند که فدک ملک شخصی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بوده است.^{۱۵}

به تصریح تاریخ نویسان و محدثان اهل سنت، پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بعد از نزول آیه «وَأَتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّةً»^{۱۶} حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) را فرا خواند و فدک را به او بخشید.^{۱۷} با این وصف، فدک ملک شخصی حضرت زهرا علیها سلام می باشد که در دفاع از آن نیز حق دفاع داشته و به عنوان مالک می تواند دفاع کند.

بنابراین، بر اساس این اسناد و مدارک قطعی، فدک ملک شخصی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بوده است و حضرت آن را به دختر گرامی خود حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) بخشید.

مهمترین بحث در این مسأله، مسأله سرنوشت فدک است که بعد از رحلت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و آله که چه تحولاتی بوجود آمده است. دیدگاه شیعه بر آن است که بعد از رحلت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) همان گونه که خلافت از خاندان آن حضرت غصب شد، سر زمین فدک نیز مورد

^{۱۳} . تاریخ مدینه، ج ۱، ص ۱۹۹؛ صواعق محرقه، ص ۳۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۲۱۹.

^{۱۴} . آنچه را خدا از آنان، به رسم غنیمت نصیب پیامبر خود گردانید [و شما برای تصاحب آن] اسب یا شتری بر آن نتاختید؛ ولی خدا فرستادگانش را بر هر که بخواهد چیره می‌گرداند و خدا بر هر کاری تواناست». حشر/۶.

^{۱۵} . صحیح بخاری، ج ۴، ص ۴۲.

^{۱۶} . و حق خویشاوند را به او بده. اسراء/۲۶.

^{۱۷} . فتوح البلدان بلاذری، ج ۱، ص ۳۵- شواهد التنزیل حاکم حسکانی، ج ۱، ص ۴۴۴- سیره حلبی، ج ۳، ص ۴۸۷.

غصب واقع شد. در مقابل، اهل سنت بر این عقیده هستند که فدک غصب نشده است و این داستان را شیعیان درست کرده و خلاف واقع است. بنا بر این، در این نوشتار به این مسأله از منابع معتبر اهل سنت بر رسی شده تا حقیقت این واقعه تلخ و ماهیت عاملان آن بر همگان روشن گردد.

محدثان اهل سنت

گروهی از محدثان اهل سنت نقل کرده اند که پس از نزول آیه: « وَ آتِ ذَٰلَ الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ »^{۱۸}، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فدک را به فاطمه (سلام الله علیها) بخشید. از جمله علمای برجسته اهل سنت: جلال الدین سیوطی در تفسیر «الدر المنثور»^{۱۹}، متقی هندی در «کنز العمال»^{۲۰}، حاکم حسکانی در «شواهد التنزیل»^{۲۱} و همچنین مأمون خلیفه عباسی نیز زمان که دستور فدک را به فرزندان فاطمه (علیها سلام) صادر کرد، به این بخشش اقرار کرده و این واگذاری را در زمان پیامبر اکرم امری آشکار و شناخته شده خواند.^{۲۲}

از سوی دیگر، فدک تا زمان رحلت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) در دست فاطمه زهرا (علیها سلام) بود. و افرادی به عنوان وکیل و کار گزار در فدک کار می کردند.^{۲۳} پس از واقعه سقیفه و به خلافت رسیدن ابوبکر، او اعلام کرد که فدک ملک شخصی کسی نیست، از این رو به نفع خلافت خود مصادره کرده و مالکیت فدک تا دوران خلافت عمر و عثمان به خاندان پیامبر باز نگشت.^{۲۴}

برخی از بزرگان و سیره نویسان اهل سنت به این مسأله اذعان کرده و می گویند: «ابوبکر فدک را به زور از فاطمه گرفت».^{۲۵} بخاری که از بزرگان محدثین اهل سنت است، نیز در صحیح از عایشه نقل می کند: «فاطمه علیها سلام، به سوی ابوبکر کسی را فرستاد و ارث خود از پیامبر (صلی الله علیه و آله) را از ابوبکر

^{۱۸}. اسراء، ۲۶.

^{۱۹}. تفسیر الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۵۸، ج ۵، ص ۲۷۲.

^{۲۰}. کنز العمال، ج ۲، ص ۱۵۱، ج ۳، ص ۷۶۷.

^{۲۱}. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۲۹ و ۴۴۱.

^{۲۲}. زندگانی فاطمه زهراء (س)، شهیدی، ص ۱۱۷.

^{۲۳}. الاحتجاج طبری، ج ۱، ص ۹۱؛ الصحیح من السیره النبوی الاظم، ج ۱۸، ص ۲۴۱.

^{۲۴}. بلاذری، فتوح البلدان، ج ۱، ص ۲۶، ابن قتیبہ، المعارف، ص ۸۶، تاریخ الفداء، ج ۱، ص ۱۶۸.

^{۲۵}. الاستیعاب ابن عبد البر، ج ۴، ص ۱۸۹۶- سیر أعلام النبلاء، ذهبی، ج ۲، ص ۱۳۱.

طلب کرد».^{۲۶} این روایت حکایت از این دارد که حضرت زهرا(س) وقتی که در برابر غصب فدک قرار گرفت، و مدعیان غصب بر آن بودند که فدک ملک زهرا نمی باشد، آن حضرت از راه پیش آمد که اگر فدک ملک من نمی باشد، و بطور قطع از اموال پیامبر صلی الله علیه و آله است، پس مال پیامبر متعلق به فرزندش است، و پیامبر فرزندی دیگری غیر از آن حضرت نداشت. بنا براین، این روایت کفایت می کند برای این که ابوبکر مال فاطمه زهرا(علیها السلام) را غصب نموده است.

از دیگر شخصیت های علمی اهل سنت، بلاذری، قاضی عضد الدین، حلبی، سرخسی و ... از جمله کسانی اند که در رابطه با حق حضرت زهراء(سلام الله علیها) سخن گفته اند و می نویسند که: «فاطمه به ابوبکر فرمود: فدک را به من برگردان. رسول الله (صلی الله علیه و سلم) آن را به من بخشیده است. ابوبکر از فاطمه شاهد خواست. فاطمه، أم ایمن و رباح، کنیز و غلام رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) را آورده و شهادت داده اند به این که فدک، ملک شخصی فاطمه است و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به او بخشیده است».^{۲۷}

با این وصف، همه این گونه موارد و وقایع به وجود آمده، حکایت از اثبات حق فاطمه زهراء دارند. آیا، جای تردید خواهد بود که آن بانوی بزرگوار بدون مصلحت بدنبال دفاع از فدک رفته و یا تردیدی در حق آن خواهد ماند؟!.

دفاعیه فاطمه زهرا(س)

بعد از رحلت پیامبر اسلام طوفان عجیبی سراسر جهان اسلام را فرا گرفت، به گونه ای که حکم مصادره سرزمین «فدک» از طرف نظام حاکم صادر شد.

فاطمه (سلام الله علیها) که ناظر تعدی آشکار در حقش و توأم با نادیده گرفتن بسیاری از احکام اسلام، جامعه اسلامی را گرفتار در یک انحراف شدید از تعالیم اسلام و سنت پیامبر (ص) و گرایش به برنامه های جاهلی می بیند. و از سوی دیگر، این امر را مقدمه ای برای خانه نشین کردن امیرمؤمنان

^{۲۶} . صحیح بخاری، ج ۳، ص ۵۸ - صحیح مسلم، ج ۷، ص ۷۵.

^{۲۷} . مجمع الزوائد هیشمی، ج ۷، ص ۲۳۵ - مسند أبی یعلی، ج ۲، ص ۳۱۸ - تاریخ بغداد خطیب البغدادی، ج ۱۴، ص ۳۲۲ - کنز العمال متقی الہندی، ج ۱۱، ص ۶۲۱.

علی(ع) و محاصره اقتصادی یاران جانباز علی (ع) دیده، به دفاع از حق خویش در مقابل غاصبان «فدک» پرداخت، و با تمام وجودش خواستار بازگشت این حق مغضوب شد، ولی نظام حاکم به بهانه حدیث مجعول «ما پیامبران ارثی از خود نمی گذاریم» از ادای این حق سرباز می زد.

بانوی اسلام (س) در برابر این درخواست طاقت نیاورده و با جمعی از زنان بنی هاشم به سوی مسجد شده تا در برابر توده های مسلمان، و سران مهاجر و انصار اتمام حجت کرده و مصادره ظالمانه را، از دستگاه حکومت وقت گرفته و در ضمن، صفوف وفاداران به اسلام را از حامیان سیاست های تجاوزکارانه آشکار سازد.

آن حضرت به نکات حساسی به سخنانشان مطالبی را بیان داشته که هر کدام هدف روشنی را تعقیب می کردند. این گونه نبودند که آن حضرت بدون مصلحت و در نظر نگرفتن مصالحی اقدام به این کار کرده است؛ بلکه تمام جوانب اسلام و مصالح مسلمین را در نظر گرفته و اقدام به این دفاعیه نموده است.

از نکته های حساسی در این گفتار، رویدادهای بعد از رحلت پیامبر(صلی الله علیه وآله) و حرکت های و تلاشهای آنها برای محو اسلام است که آنان از غضب «فدک» و بهانه های واهی که در این زمینه داشتند، بهانه قرار داده و در مسیر انحرافی خویش پیش می رفتند. آنچه که در این دفاعیه مهم و قابل توجه به نظر می رسد، بیان موضع آن حضرت در برابر نظام حاکم است که در رابطه نسبت خود با پیامبر(صلی الله علیه و آله) اشاره کرده و به آنان گوش زد می کند که چه زود این نسبت را فراموش کردید می فرماید: بدانید من فاطمه ام! و پدرم محمد است، که صلوات و درود خدا بر او و خاندانش باد... بنا بر این، هر گاه نسبت او را به من بجوئید، می بینید او پدر من بوده است، نه پدر زنان شما!

حضرت زهرا (سلام الله علیها) سپس اشاره به فداکاری های پیامبر صلی الله علیه و آله نموده و می فرماید: شما کسانی بودید که در روز رحلت آن حضرت، برای بدست آوردن قدرت، جنازه مبارک او را تنها روی زمین گذاشته ناچه خلافت را در اختیار گرفته و ندای شیطان اغواگر را اجابت کرده و به خاموش ساختن انوار تابان آئین حق و از میان بردن سنت های پیامبر الهی پرداختید. برای منزوی

ساختن خاندان و فرزندان پیامبر اکرم به کمین نشستید. با این وضع، ما نیز چاره‌ای جز شکیبایی ندیده، همچون کسی که خنجر بر گلوی و نوک نیزه بر دل او نشسته باشد صبر کردیم!

فاطمه زهراء (سلام الله علیها)، سپس اشاره به ارث خودش نموده و خطاب کرده؛ ای فرزند ابی قحافه! آیا در قرآن است که تو از پدرت ارث ببری و من از پدرم ارثی نبرم؟ چه سخن ناروایی؟!

سپس آن حضرت گروه انصار را مورد خطاب تنبیهی ساخته خطاب می کند: ای جوانمردان، وای کسانی که خود را بازوان توانمند اسلام می دانستید؟! این چه تغافل است که در برابر ستمی که بر من وارد شده نشان می دهید؟ آیا رسول خدا (صلی الله علیه وآله) پدرم نمی فرمود: «احترام هر کس را در مورد فرزندان او باید نگاهداشت؟»، ای مدعیان اسلام! چه زود اوضاع را دگرگون ساختید، و چه با سرعت به بیراهه گام نهادید، با اینکه توانایی بر احقاق حق من دارید؟ و نیروی کافی بر آنچه می گویم در اختیار شماست.

بدانید و آگاه باشید من آنچه را باید بگویم گفتم، با اینکه عهدشکنی قلب شما را فراگرفته است، و اندوهی که در سینه‌ام موج می‌زد خارج شد، تا با شما اتمام حجت کنم و عذری برای احدی باقی نماند. اکنون که چنین است این مرکب خلافت و آن فدک، همه از آن شما، محکم بچسبید و رها نکنید، و این را نیز بدانید که داغ ننگ بر آن خورده، و غضب خداوند علامت آن است، و رسوایی ابدی همراه آن، و سرانجام به آتش برافروخته خشم الهی که از دل‌ها سر بر می‌کشد خواهد پیوست!^{۲۸}

بنا به آنچه که از سیره و سر نوشت فدک در مبنای قرآن کریم و منابع تاریخی اشاره شد، این حقیقت روشن می شود که آن حضرت بدون در نظر گرفتن مصلحت، بدنبال پس گری فدک نبوده؛ بلکه فدک ملک شخصی آن بوده که به دفاع از آن بر خواسته است، در تبیین و توضیح آن چه که اشاره شد، در این مورد به نکاتی پرداخته می شود.

^{۲۸} . فراز های از خطبه فدکیه.

۱. بنا به نص صریح و سند قطعی قرآن کریم، فدک ملک شخصی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است، آن حضرت این ملک شخصی «دهکده فدک» را به فرزندش فاطمه زهرا سلام الله علیها، به دستور خداوند و بر اساس آیه «ایتای حقوق ذوالقربی» هدیه می کند.

۲. بر اساس منابع تاریخی نیز، فدک ملک شخصی پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و آن حضرت آن را به دخترش فاطمه علیها سلام هدیه می دهد. بنا به برخی از منابع اهل سنت که اشاره شد، ابو بکر این هدیه پیامبر صلی الله علیه و آله را از فاطمه دختر پیامبر به زور پس گرفته و در آن تصرف می کند. حضرت زهرا سلام الله علیها به دفاع از حق خود در برابر این تعدی اقدام کرده و در برابر غاصبان به محاجّه بر می خیزد. این محاجّه از جهات قابل توجه و تحلیل است.

الف) حضرت زهرا سلام الله علیها این گونه نبوده که بدون توجه به ابعاد قضیه و بدون در نظر گرفتن مصلحت اقدام به پس گیری فدک کرده باشد؛ بکه آن حضرت از ابتدا و آغاز محاجه و دفاع از حق خویش، آن را اعلام کرده و به تنهایی وارد مجلس خلیفه نشده که به دفاع نپرداخته است؛ بلکه، گذشته از اطلاع عمومی که بسیار از کسانی که از بزرگان زمان بوده و از جریان فتح خیبر و سر نوشت فدک بخوبی اطلاع داشته در مسجد، جمع شده و حضرت زهرا سلام الله علیها نیز با جمعی از زنهای مهاجر و انصار وارد مسجد می شوند. این نوع حرکت، خود حکایت از یک حقیقت و قضیه ای دارد که دارای اهمیت ویژه ای بوده و همگان از آن خبر داشته، چنان که اگر خلاف واقع بودی، حتما مورد اعتراض آن جمع که همگان پیامبر و این قضایایی را که حضرت زهرا (س) مطرح کرده آگاهی کامل داشته است.

ب) حضرت زهرا علیها سلام در این جمع، ابتدا به گونه سخن را آغاز می کند که نه تنها از غصب فدک؛ بلکه بالاتر از آن به غصب خلافت پیامبر اشاره کرده و آنان را غاصب این جایگاه معرفی کرده است. روی این اساس، محتوای کلام چنین می شود، کسی که به غصب، جایگاه خلافت را بدست آورده باشد، صدور حکم آنها در مصادره فدک نیز بی اعتبار خواهد بود. سپس آن بانوی بزرگوار بدون کنایه و اشاره و با صراحت تمام می فرماید: « شما ناچه خلافت را در اختیار گرفتید، حتی این اندازه صبر نکردید که رام شود. آتش فتنه را بر افروختید و ندای شیطان را اجابت کردید و به خاموشی انوار آئین

پیامبر پرداختید و برای منزوی ساختن خاندان و فرزندان وی به کمین نشستید». بنا بر این، چنین صراحت کلام باز جای ابهام خواهد گذاشت که ادعا و دفاع فاطمه سلام الله علیها، دفاع از حق مسلم نبوده است.

ج) دفاع فاطمه علیها سلام، یک دفاع ساده وبدون دلیل و برهان قطعی نبوده؛ بلکه او دفاع شان را با حکم متقن قرآن کریم مطرح کرده و آنان را از پیرویان جاهلیت یاد می کند و خطاب به ابوبکر نموده که ای فرزند ابی قحافه! سلیمان از پدرش داود ارث می برد و... و شما چنین پنداشتید که من هیچ بهره از ارث پدرم ندارم؟! روی این اساس، چگونه می شود که حضرت زهرا سلام الله علیها حقی نداشته باشد و خدای نخواستہ به ناحق و برای اثبات حق و دفاع از آن از قرآن کریم استفاده کرده و به آن استدلال نماید، این بدور از شأن ومنزلت آن حضرت است.

د) از نکته های بسیار مهم و قابل توجه در دفاعیه آن بانوی بزرگوار، خطاب به گروه انصار است که در آن جمع حضور داشته و حضرت خطاب به آنها می فرماید: ... ای کسانی که بازو ویاور پیامبر صلی الله علیه و آله بودید، این نادیده گرفتن حق مسلم من از شما چیست؟ این چه تغافل است که در برابر ستمی که بر من وارد شده نشان می دهید؟ آیا پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله نمی فرمود: « احترام هر کس را در حق فرزندان او نگاهدارید؟ » این مورد از برجسته های دفاعیه حضرت است؛ چون ابو بکر دو شاهد از آن بانوی گرامی جهت اثبات حقش در مورد فدک خواسته بود که باز آن راهم قبول نکرد؛ اما فاطمه زهرا سلام الله علیها تمام سران گروه انصار را که در آن جمع بود به شاهدت می کشاند و آنها را خطاب تنبیهی نموده که شما در برابر حق من خود را به تغافل زده، در عین این که می دانید ساکت مانده و از حق من دفاع نمی کنید. بنا بر این، اگر فدک ملک شخصی آن بانوی گرامی نبودی و پیامبر اکرم آن را به وی وا گذار نکرده بود، چرا گروه انصار که در مسجد حضور داشتند و در برابر خطاب آن حضرت از خود دفاع نکردند و نگفتند که شما حق ندارید که ما از شما دفاع کنیم، در حال که همه در برابر خطاب آن حضرت سکوت کرده بودند و میدانستند که فاطمه زهرا علیها سلام از چه سخن می گوید و برای چه به دفاع بر خواسته است. تا این که، دختر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در

بخش پایانی از سخنان و دفاعیه اش به ابو بکر و حامیانش خطاب کرده و می فرماید: الآن که چنین است، این مرکب خلافت و آن هم فدک، همه از آن شما و محکم بچسپید و رها نکنید؛ اما این را هم بدانید که علامت این خلافت در دست شما، غضب خداوند و رسوایی ابدی آن همراه شما بوده و سر انجام آتش افروخته و خشم الهی با شما خواهد بود.

در نتیجه:

۱. مصالحی را که فاطمه زهرا(س) در این دفاعیه در نظر داشت، مصالح اسلام و مسلمین بود نه حفظ آبرو و منافع حکومتی حاکمان وقت؛ چون تبیین انحراف از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و تبیین راههای آینده اسلام و مسلمین از همه مصالح حاکمان سقیفه مهمتر بودند.
۲. فدک، سر زمینی بود که از راه صلح به پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) رسیده است.
۳. پیامبر(صلی الله علیه و آله) بر اساس وحی الهی و طبق آیه: «ذوالقربی»، آن را به دخترش فاطمه زهرا(سلام الله علیها) بخشید.
۴. تا زمان حیات رسول اکرم(صلی الله علیه و آله) این زمین به دست کار گزاران فاطمه زهرا(علیها سلام) بود.
۵. بعد از رحلت پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) در اولین زمان به قدرت رسیدن ابوبکر و هم دستانش، این سر زمین را مصادره کرده و کار گزاران دختر پیامبر را از آن جا بیرون کردند.
۶. سیره نویسان و محدثان اهل سنت، بنا به آنچه که اشاره شد، از بخشیدن این سرز مین به فاطمه زهرا(س) خبر داده و تصرف آن را توسط ابوبکر نیز در گزارشهای تاریخی شان بیان کرده اند.
۷. فاطمه زهرا (علیها سلام)، به دلیل و مدرک قرآنی آن را حق خودش دانسته و به دفاع از آن بر آمده و در حضور جمعی از بزرگان مهاجر و انصار از حق خود در حضور حاکمان وقت دفاع کردند. بنا بر این، چگونه دفاع آن حضرت از حقش بدون تدبیر و مصلحت بوده است؟!.

منابع جهت مطالعه:

۱. فاطمه(ع) از ولادت تا شهادت، سید محمد کاظم قزوینی، ترجمه علی گرامی، نشر مرتضی، قم، ۱۳۸۴ش.

۲. زندگانی فاطمه زهرا(س)، علامه محمد باقر مجلسی، ترجمه محمد روحانی علی آبادی، نشر مهام، تهران، ۱۳۷۹ش.

حدیث موضوع: از عبد الله بن عباس روایت کرده: هنگامی که وفات پیغمبر اسلام صَلَّى الله عليه و آله و سلم نزدیک گردید آن حضرت به قدری گریست که محاسن مبارکش تر شد. عرض شد: یا رسول الله! چرا گریه می کنی؟ فرمود: برای ذریّه و فرزندانم و آن ستمهایی که از جفاکاران امّت بعد از من به ایشان می رسد، می گریم. گویا می بینم دخترم فاطمه زهرا بعد از من مظلوم واقع شده، هر چه صدا می زند: یا ابتاه! احدی از امّت من به فریاد او نمی رسد. (زندگانی حضرت زهرا علیها السلام، ترجمه بحار الأنوار، ص ۵۷۳).

منابع:

۱. الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبدالبر، (متوفای ۴۶۳) تحقیق، علی محمد البجاوی، دارالجل، بیروت، الطبعة الاولى، ۱۴۱۲ق.
۲. تاریخ بغداد خطیب البغدادی، تاریخ بغداد، ابوبکر احمد بن علی الخطیب البغدادی، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۱۷ق.
۳. تاریخ مدینه دمشق لابن عساکر، ابوالقاسم علی بن الحسین ابن عساکر، مؤسسه المحمودی، بیروت، ۱۳۹۸ق.
۴. تاریخ الطبری، (تاریخ الامم والملوک)، ابو جعفر بن جریر طبری، تحقیق، محمد ابوالفضل ابراهیم، دارالتراث، ط ۲، بیروت، ۱۳۷۸ق/۱۹۶۷م.
۵. دانشنامه امام علی(ع)، (دایره المعارف موضوعی)، جمعی از نویسندگان، زیر نظر علی اکبر رشاد، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ۱۳۷۹ش.
۶. السقیفه و فدک، ابوبکر احمد بن عبدالعزیز جوهری،
۷. سیر أعلام النبلاء، ذهبی، ابوالقاسم علی بن الحسین ابن عساکر، مؤسسه المحمودی، بیروت، ۱۳۹۸ق.
۸. سیره حلبی، علی بن برهان الدین الحلّبی، بلاغ، ۱۲۸۰ق.

۹. شرح نهج البلاغه ابن أبي الحديد، أبو حامد عز الدين بن هبة الله بن محمد بن محمد بن أبي الحديد المدائني، متوفى: ٦٥٥ هـ ، تحقيق: محمد عبد الكريم النمرى، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان ، الطبعة: الأولى، ١٤١٨ق، ١٩٩٨م.
۱۰. شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، عبيد الله بن احمد حاكم حسانى، وزارت ارشاد اسلامى، تهران، ١٤١١.
۱۱. صحيح ابن حبان، ابو حاتم، محمد بن حبان، (٣٥٤ق)، مؤسسه الرساله، بيروت، ١٤١٤ق/١٩٩٣م.
۱۲. صحيح بخارى، ابو عبدالله محمد بن اسماعيل جعفى، البخارى، تحقيق: د: مصطفى اديب البغا، دار ابن كثير اليمامة، بيروت، الطبعة الثانية، ١٤٠٧ق، ١٩٨٧م.
۱۳. صحيح مسلم، مسلم بن الحجاج ابوالحسن القشيري النيشابورى، (متوفى ٢٦١ق)، تحقيق: محمد فواد، عبد الباقي، دارالاحياء التراث العربى، بيروت، بى تا.
۱۴. صواعق محرقة، احمد بن حجر هيثمى، مكتبة القاهرة، مصر، ١٣٨٥ ق.
۱۵. فتوح البلدان، ابوالحسن احمد بن يحيى البلاذرى، دار و مكتة الهلال، بيروت، ١٩٨٨م.
۱۶. فراز هاى از خطبه فديكه.
۱۷. كنز العمال متقى الهندى، فى سنن الاقوال والافعال، على المتقى بن حسان الدين الهندى البرهان فورىء ضبطه و بكرى حيائى، مؤسسه الرساله، ١٢١٣ ق.
۱۸. مجمع الزوائد هيثمى، على بن أبى بكر الهيثمى ، دار النشر: دار الريان للتراث/دار الكتاب العربى - القاهرة , بيروت، ١٤٠٧ق.
۱۹. مراصد الاطلاع على اسماء الامكنه البقاع، عبدالمؤمن بن عبدالحق، بغدادى، تحقيق، محمد على بجاوى، دارالجيلة، بيروت، ١٤١٢ق.
۲۰. مسند أبى يعلى، أحمد بن على بن المثنى أبو يعلى الموصلى التميمى (متوفى ٣٠٧هـ)، تحقيق: حسين سليم أسد، ناشر: دار المأمون للتراث، دمشق ، الطبعة: الأولى، ١٤٠٤ق، ١٩٨٤م.
۲۱. معجم البلدان حموى، ياقوت حموى، بيروت، دار صادر، ١٣٩٩.
۲۲. صدر، محمدباقر، فدى فى التاريخ، ناشر دارالكتب للطباعة و النشر ايران.
۲۳. مكارم شيرازى، ناصر، تفسير نمونه، دارالكتب الاسلاميه، چاپ دوم، قم.